

ویژگی‌های اخلاقی معلّم و متعلّم از منظر ملا احمد نراقی در معراج السعاده

احمد نظری (نویسنده مسوول)^۱

ابراهیم حیدری لقب^۲

چکیده

از مجموعه ویژگی‌هایی که رفتار و شخصیت افراد را در جامعه مشخص می‌سازد، اصول اخلاقی است. معمولاً افراد با توجه به رفتاری که از خود نشان می‌دهند و احساس مسئولیتی که در قبال وظایف و تعهدات کاری خود دارند، اخلاق کاری را پایه‌گذاری می‌کنند. ملا احمد نراقی، از علمایی است که در رابطه با علم اخلاق و آداب تعلیم و تربیت در معراج السعاده سخن گفته است. هدف پژوهش حاضر، بررسی آداب و شروطی بوده است که ایشان برای معلّم و متعلّم ذکر کرده‌اند. روش تحقیق در این پژوهش از نوع کتابخانه‌ای است و از تحلیل محتوا برای یافتن محتوای مد نظر استفاده شده است. یافته‌های پژوهش ناظر بر آن است که هر معلمی در امر تعلیم، باید ابتدا قصد تقرب به خدا داشته باشد و برای ریاست و بزرگی و شهرت به تعلیم دیگران نپردازد، بر آموزنده مهربان و دلسوز باشد و مطالب خلاف واقع به او نگوید. آموزنده هم باید برای به دست آوردن علم، از دوستی با کسانی که اهل هوا و هوس و شهوات نفسانیه هستند، دوری کند و برای رسیدن به سعادت اخروی به تحصیل علم بپردازد. به علاوه، در این راه باید حقوق معلّم خود را بشناسد و ادب و احترام را در نزد او رعایت کند و به علمی که می‌آموزد عمل کند.

کلیدواژه‌ها: اخلاق معلّم و متعلّم، ملا احمد نراقی، معراج السعاده، تعلیم و تربیت اسلامی.

^۱ دبیر ادبیات فارسی، آموزش و پرورش رامیان، گلستان، ایران. Ahmadnazari67@gmail.com

^۲ استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. heydarilaghab@gmail.com

در دنیای کنونی، امر تعلیم و تربیت دارای اهمیت بسزایی است؛ به طوری که هم آموزش دهنده و هم آموزنده باید دارای اصول و ارزش‌هایی باشند. و اگر نباشند، امر تعلیم و تربیت به معنای واقعی آن محقق نخواهد نشد. درنگ در چیستی و ماهیت تعلیم و تربیت، ما را بر آن می‌دارد تا خود را به اصول، ابزارها و روش‌هایی ملزم کنیم تا انسان‌هایی موفق در امر آموزش به دیگران و نیز در فراگیری و آموختن ادب و دانش و مهارت باشیم. معلمی که می‌خواهد در کار و حرفه خود، سرآمد، الگو و سرمشق همکاران و شاگردانش باشد، باید خود را به خصلت‌ها و رفتارهایی آراسته گرداند تا راهنما و هدایتگری کارآمد برای آن‌ها باشد؛ زیرا این معلمان و مربیان هستند که افراد جامعه را از نظر فکری، معنوی و شخصیتی می‌سازند. معلمان می‌توانند با رفتار و تدریس خود در شاگردان تغییر ایجاد کنند و البته شاگردان هم نسبت به نگرش‌ها، عقاید و ارزش‌های معلمان و مربی‌های خود واکنش نشان می‌دهند و بر آن‌هاست تا برای دست‌یافتن به ترقی و پیشرفت، حقوق معلمان خود را بشناسند و از مصاحبت با افراد بد دوری کنند.

از گذشته‌های دور، مجموعه اصول و ارزش‌هایی را که با شخصیت افراد و نحوه رفتارشان بروز و ظهور یافته، اخلاق نامیده‌اند. با توجه به اهمیت اخلاق در افراد است که خداوند در قرآن، پیامبر گرامی اسلام را بزرگ‌ترین معلم اخلاق در جامعه آن روز معرفی می‌کند: «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ» (القلم: ۴)؛ «تو بر نیکو خلقی آراسته‌ای» و دیگر انسان‌ها باید در خلق و خوی و رفتار از تو پیروی کنند. همچنین خود پیامبر (ص) می‌فرماید: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» (مجلسی، ۱۳۸۵، جلد ۶۸: ۳۸۲)؛ «به درستی که من مبعوث شدم تا شرافت‌های اخلاقی را تمام و کامل کنم». پس، بر هر کسی لازم است که بعضی از ساعات خودش را صرف آموختن و ساختن مسائلی کند که باعث بیماری نفس و روح انسان و مانع رسیدن به کمال می‌شود. اما این شرافت‌های اخلاقی چیست که خدا و پیامبر (ص) درباره آن فرموده‌اند و ما را به انجام آن‌ها سفارش نموده‌اند تا رفتاری پسندیده و پذیرفته در جامعه، محیط کاری و خانواده، از ما سر بزند؟

ملا احمد نراقی از جمله علمایی است که در باب اخلاق و آداب آن با توجه به آموزه‌های دینی و با نگاه به قرآن کریم و احادیث ائمه، در کتاب معراج السعاده سخن گفته‌است. ایشان راه رسیدن انسان به سعادت اخروی را کسب اخلاق حمیده و صفات پسندیده می‌دانند؛ چیزی که همه انسان‌ها، از معلم و متعلم، نیازمند آن هستند؛ زیرا «بحکم محکم عقل و نفس مستفیض نقل، بر هریک از افراد سالکین منهج رشاد و طالبین طریق ارشاد، لازم است که اولاً از آئینه گیتی نمای دل زنگ رذائل زایل و بعد از آن، ادهم همت به صوب تجمل به حلال فضائل، مایل سازد؛ چه بدون تخلیه، تخلیه میسر نشود و انعکاس نقش حیب در نفس خبیث، صورت نبندد» (نراقی، ۱۳۷۴: ۴). پس برای دفع این صفات ناپسند و کسب خصال نیکو، به اصولی اخلاقی نیاز داریم. بر این اساس،

نویسندگان این مقاله برآنند تا هدف مرحوم نراقی، نویسنده کتاب معراج السعاده را در ذکر شرایط و ویژگی های معلّمی دیندار و خردمند و متعلّمی صاحب تواضع، کوشا و اخلاق مدار در تحصیل علم، واکاوی کنند؛ چرا که ویژگی ها و صفات شخصیتی معلم، نقش بسیار زیادی در شکل گیری شخصیت شاگردان دارد و آن ها صفات خوب انسانی، مانند صبر و بردباری، دوستی، صداقت، راستی و راست گویی و اخلاق نیکو... را از معلمان خود می آموزند و همین شاگردان هستند که شهروندان جامعه را تشکیل می دهند. معلمان می توانند با رسالتی که دارند، عشق و تعهد و ایثار را به شاگردان خود بیاموزند تا آن ها هم در جامعه به عنوان یک شهروند و در هر شغل و حرفه ای که هستند، صداقت و راستی و اخلاق مداری را به ارمغان بیاورند. بنابراین، اگر معلمان و شاگردان، خود را به مسئولیت پذیری اخلاقی آراسته کنند، می توان به جامعه آرمانی که هدف آن رسیدن به کمال انسانی و سعادت است، دست یافت.

با توجه به آنچه ذکر شد، می کوشیم تا در این مقاله به پاسخ سؤالات زیر برسیم:

الف) دیدگاه و نظر مرحوم نراقی در خصوص ویژگی های معلّم و متعلّم چیست؟

ب) چرا با وجود این که افراد زیادی وقت خود را صرف آموزش و علم آموزی می کنند، در عمل افراد معدودی به سرچشمه معرفت می رسند و بیشتر افراد، علی رغم مطالعه و آموزش های زیاد، باز هم در جهل خود باقی می مانند؟

ادبیات و پیشینه پژوهش

در فرهنگ ها، اخلاق را از نظر لغوی، جمع «خُلُق و خوی ها» (معین، ۱۳۸۴: ذیل واژه اخلاق) و «مجموعه اصول و ارزش های عموماً پذیرفته شده ای که درستی یا نادرستی و خوبی یا بدی رفتار و شخصیت افراد یک جامعه را مشخص می کند» (انوری، ۱۳۸۲: ذیل واژه اخلاق)، تعریف کرده اند. اما علم اخلاق «مجموعه ای از اصول هنجاری می باشد که شایسته است رفتار و کردار بشری بر مقتضای آن ها جریان یابد» (مغنیه، ۱۳۸۶: ۲۳). بنابراین، اخلاق به رفتار و کردار افراد در جامعه و محیط زندگی یا محل کارشان بستگی دارد و هدف از فراگیری علم اخلاق را آن دانسته اند که «جامعه ای ایجاد شود که عدالت، امنیت و کمک در حفظ زندگی از فساد و بی انصافی و آنچه که زندگی را دچار تیره بختی می کند، بر آن حکمفرما باشد و زندگی را به سوی صورتی کامل تر و بهتر هدایت کند» (همان: ۲۴). همچنین فایده علم اخلاق از نظر مرحوم نراقی «پاک ساختن نفس است از صفات رذیله و آراستن آن به ملکات جمیله که از آن به تهذیب اخلاق تعبیر می شود و ثمره آن رسیدن به خیر و سعادت ابدیه است» (نراقی، ۱۳۷۴: ۱۹).

_____ ویژگی های اخلاقی معلم و متعلم از منظر ملا احمد نراقی در معراج السعاده

وقتی ما «از اخلاقی بودن و فضیلت ها و نیز ضد اخلاقی بودن و رذیلت ها به منزله اوصاف سخن می گوئیم، در واقع به توصیف رفتارهای بشری می پردازیم و رفتارهای آدمی را اخلاقی یا غیر اخلاقی می انگاریم» (قراملکی، ۱۳۸۸: ۱۲۲). در حقیقت «فعل اخلاقی کاری است ارزشی که همه انسان ها، در همه زمان ها و مکان ها، بر خوبی یا بدی آن توافق دارند و عقل سلیم انسانی، حُسن یا قبح آن را درک می کند و از لحاظ انسانی خود را ملزم می بیند که فعل حَسَن را انجام دهد و از فعل قبیح اجتناب کند» (امینی، ۱۳۸۷: ۱۰۱). بنابراین همچنان که «زندگی شغلی یکی از ابعاد زندگی ماست، هر کسی در زندگی شغلی خود حریمی دارد و حفظ آن حریم، دغدغه افراد اخلاقی است. هر یک از ما در زندگی شغلی خود در قبال کسانی که با آن ها مواجه می شویم، مسئولیت داریم» (قراملکی، ۱۳۸۸: ۱۵۰).

اما در رابطه با حرفه معلمی و تعلیم و تربیت، این کار پیچیده تر می شود؛ زیرا معلم و استاد به عنوان الگوی دانش آموزان و دانشجویان مورد توجه قرار می گیرند و باید ارزش های اخلاقی و رفتاری را در محیط کاری و اجتماعی رعایت کنند تا آموزش و تربیت صحیح کارساز شود و متعلمان در مسیر پیشرفت حرکت کنند؛ همچنان که در عمل بسیاری از دانش آموزان معلمان خود را الگو و سرمشق قرار می دهند و از رفتار و سلوک و منش آن ها تأثیر می پذیرند. بنابراین باید معلمان خود را به اصول اخلاقی آراسته کنند و رفتاری غیر اخلاقی در کلاس انجام ندهند و وظایف خود را به درستی انجام دهند؛ تا بدین گونه دانش آموزان هم به صورت غیر مستقیم با اصول اخلاقی آشنا شوند.

معمولاً تعلیم و تربیت در گفتار عامیانه، با هم بیان می شوند که گویا با هم مترادف هستند؛ اما در فرهنگ ها تعاریف متفاوتی از آن ها ارائه شده است. تعلیم را «دانش یا مهارتی را به کسی آموختن، یاد دادن یا آموزش دادن» (انوری، ۱۳۸۲: ذیل واژه تعلیم) و تربیت را «ایجاد کردن تغییرات مطلوب رفتاری یا اخلاقی در کسی، پرورش» (همان: ذیل واژه تربیت) تعریف کرده اند. در تعریفی کلی تعلیم را «سخن گفتن و القای کلمات معنادار، تا متعلم به معانی آن الفاظ پی ببرد و بدین وسیله استعداد تعلم خویش را به فعلیت برساند و عالم شود» (امینی، ۱۳۸۷: ۲۸)، تعریف کرده اند. همچنین تربیت را «انتخاب رفتار و گفتار مناسب، ایجاد شرایط و عوامل لازم و کمک به شخص مورد تربیت تا بتواند استعدادهای نهفته اش را در تمام ابعاد وجود، به طور هماهنگ پرورش داده، شکوفا سازد و به تدریج به سوی هدف کمال مطلوب حرکت کند» (همان: ۲۷)، نوشته اند. پس با تعاریف ارائه شده، معلم باید با دانش و اطلاعات تخصصی که دارد، شرایطی را برای آموزنده فراهم کند تا او به رشد و بالندگی برسد و استعداد پنهان خدادادی خویش را آشکار سازد؛ زیرا در نظام تربیتی اسلام، «تربیت، محور همه چیز است. حیات و مشروعیت هر بعدی از زندگی انسان

به تربیت سالم وابسته است» (ملکی، ۱۳۷۶: ۱۴) و تا این تربیت درست و اصولی نباشد، پرورش استعداد‌های عالی انسانی اتفاق نخواهد افتاد. برای اینکه تعلیم و تربیت باعث رشد و شکوفایی انسان شود و برای تحقق هر چه بهتر این امر، نیاز به معلم و مربی حرفه‌ای با ویژگی‌های مشخص است تا آموزش درست باعث مهارت‌پروری شاگرد شود. به همین دلیل در این زمینه کتاب‌ها و به تبع آن، مقاله‌هایی نگاشته شده‌است.

شهید ثانی (۹۶۶ق) «مُنِيهِ الْمُرِيدِ فِي آدَبِ الْمُفِيدِ وَ الْمُسْتَفِيدِ» را به زبان عربی در موضوع آداب متقابل شاگرد و استاد و آداب تعلیم و تربیت در اسلام نوشته‌است. این کتاب به وسیله سید محمدباقر حجّتی به فارسی ترجمه شده‌است. گلدار (۱۳۹۶) مقاله «خلاصه‌ای از آداب تعلیم و تعلّم در کتاب مُنِيهِ الْمُرِيدِ» را با هدف بازخوانی آداب مطرح‌شده در این کتاب، نگاشته‌است؛ چرا که در زمان حاضر، به آداب تعلیم و تعلّم چندان توجه نمی‌شود.

جلالی (۱۳۸۱) در مقاله‌ای به صورت کلی از فلسفه تعلیم و تربیت با عنوان «معراج السعاده در آینه تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت» سخن گفته‌است. این پژوهش، کتاب معراج السعاده را که از نظر محتوا و مطالب در پنج باب تقسیم شده‌است، شرح می‌دهد و به تشریح چاپ‌های معراج السعاده، جایگاه تاریخی و فلسفی، اخلاقی و تربیتی کتاب در مقایسه با دیگر آثار اخلاقی پرداخته‌است.

داورپناه، علوی و رستمی (۱۳۹۰) مقاله «بررسی تطبیقی ویژگی‌ها و روابط معلم و شاگرد از دیدگاه امام محمد غزالی و توماس آکویناس» را با هدف تحقیق و شناسایی تفاوت و تشابه ویژگی‌های معلم و شاگرد و روابط بین آن‌ها از دیدگاه امام محمد غزالی و توماس آکویناس، انجام داده‌اند تا میزان تناسب این راهبرد تربیتی با فرهنگ ایران مشخص شود. برای انجام این تحقیق از روش تطبیقی - تحلیلی استفاده کرده‌اند. نتایج این تحقیق نشان داد از نظر آن دو، خداوند معلم واقعی انسان‌هاست. همچنین هر دو عقیده داشتند که کار معلم، پاکسازی، راهنمایی و هدایت شاگردان بوده و معلم وظیفه دارد که شاگرد را در جهت رسیدن به کمال، خوشبختی و اطاعت از فرمان خداوند یاری نماید.

روش پژوهش

روش به کاررفته در این تحقیق، از نوع نظری است که با روش تحلیل محتوا و از طریق مطالعه کتابخانه‌ای به نتیجه نه‌شسته‌است؛ بدین صورت که نویسندگان، پس از تعیین و گزینش موضوع، به کتاب‌شناسی موضوع تحقیق و منابع مرتبط به آن پرداخته‌اند و پس از استخراج و

فیش‌برداری عنوان‌های اصلی و فرعی، به تجزیه و تحلیل و نوشتن متن پیش‌رو با استناد به قرآن کریم و احادیث موجود در این زمینه، اقدام کرده‌اند.

یافته‌های پژوهش

ملا احمد نراقی، «معروف به فاضل یا صاحب مستند(نراق ۱۱۸۵ - همان‌جا ۱۲۴۵ق.)، فرزند ملا محمد مهدی نراقی، مرجع تقلید و شاعر ایرانی، در کاشان نزد پدر، در نجف نزد سید محمد مهدی بحرالعلوم و شیخ جعفر کاشف‌الغطا و در کربلا نزد صاحب ریاض و میرزا مهدی شهرستانی درس خواند. افزون بر فقه و اصول، در تفسیر، کلام، فلسفه، ریاضیات و نجوم نیز تبحر داشت. شعر نیز می‌گفت و در سروده‌هایش صفاتی تخلص می‌کرد. در ۱۲۰۹ق. از عراق به کاشان برگشت و با تشکیل حوزهٔ درسی، مرجعیت تقلید مردم را به عهده گرفت. از آثار اوست: مستندالشیعه فی احکام الشریعه؛ مهمات ادله الاحکام؛ معراج السعاده در اخلاق به فارسی...» (رامین و دیگران، ۱۳۸۹، ج ۱۶: ذیل ملا احمد نراقی). در ادامه، ویژگی‌های اخلاقی معلّم و متعلّم را با توجه به آنچه مرحوم نراقی در معراج السعاده بیان کرده است، با تأکید بر آیات و احادیث اسلامی مورد بررسی قرار می‌دهیم.

هدف از کسب علم و معرفت در معراج السعاده

عظمت و شکوه علم و دانش تا بدان اندازه است که «خداوند متعال، علم و دانش را علت کلی و اساسی آفرینش همهٔ پدیده‌های هستی - اعم از آسمان و زمین - معرفی کرده‌است» (شهید ثانی، ۱۳۵۹: ۳۲)؛ چنان‌که در قرآن می‌فرماید: «اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا» (طلاق: ۱۲)؛ «خدا آن کسی است که هفت آسمان را آفرید و مانند آن آسمان‌ها، هفت طبقه از زمین خلق فرمود و امر نافذ خود را در بین هفت آسمان و زمین نازل کند تا بدانید که خدا بر هر چیز توانا و به احاطهٔ علمی بر همه امور عالم آگاه است». و این، بدان خاطر است تا شما از بصیرت و علم برخوردار گردید.

با این تفاسیر، در معراج السعاده، مرحوم نراقی هدف از کسب علم و معرفت را از دو نگاه اخروی و دنیوی مورد بررسی قرار می‌دهند. ایشان از نظر اخروی و آن جهانی می‌فرمایند که علم، بالاترین صفات کمال و جمال برای خداوند و بعد از آن برای نفس انسان است و به واسطهٔ آن، انسان می‌تواند افتخار حضور در قرب و بارگاه پروردگار جهانیان را به دست آورد و مقرب درگاه حق شود؛ زیرا جمیع دانشمندان و عالمان هم‌قول هستند که بدون علم و معرفت نمی‌توان محرم مصاحبت و هم‌نشینی خداوند جهان شد و قدم بر عرش کبریایی گذاشت و خوشبختی حضور در

جوار خدایی را درک کرد: «شکی نیست که صفت علم، افضل اوصاف کمال و اشرف نعوت جمال از برای نفس انسانی است؛ بلکه بالاترین صفات ربوبیت است و به واسطه علم، انسان به شرف جوار رب العالمین می‌رسد و سبب آن ملاحظه، داخل ملائکه مقربین می‌شود. حیات ابدی از برای انسان از آن است و سعادت سرمدی از برای این نوع، به توسط آن از عقلیه و نقلیه متطابق و جمع اهل ملل و ادیان متفق‌اند بر این که بدون معرفت و علم، محرم حرم انس پروردگار نتوان شد و قدم بر بساط قرب حضرت آفریدگار نتوان نهاد» (نراقی، ۱۳۷۴: ۵۸).

به علاوه، آن کس که در دنیا صاحب علم و دانش است، عزت و افتخار در بین مردمان خاص و برگزیده دارد و حتی در نظر بدکاران و تبه‌کاران دارای ارج و مقامی بالا است: «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ» (زمر: ۹). همچنین در ادامه می‌فرماید که صاحبان علم در نزد پادشاهان، حکمشان اطاعت شده است و عمل به حرف‌هایشان، واجب و ضروری. علاوه بر این، بیان می‌دارد که خداوند بزرگ، تمام افراد را آفریده است تا اهل علم و دانش را تعظیم کنند و سر بر اطاعت و فرمان‌برداری ایشان نهند: «و از جمله فوائد علم در دنیا، عزت و اعتبار در نزد اخیار و اشرار و شرف و احترام در نزد جمیع طوایف انام. حکم علما در نزد پادشاهان ذوی‌الاقدر مطاع و اقوال ایشان در پیش سلاطین کامکار لازم‌الاتباع. و حکیم مطلق جل شأنه بهمت کامله خود طباع جمیع خاص و عام را مجبول فرموده است بر تعظیم اهل علم و احترام ایشان و اطاعت و انقیادشان» (نراقی، ۱۳۷۴: ۵۹). همچنین نراقی، خود علم و دانش را هم به علم دنیوی و علم اخروی تقسیم می‌کند و می‌گوید علمی همانند علم طب و هندسه و نجوم و عروض و موسیقی ...، بیشترین فایده آن برای دنیا است و از طریق این علوم، چندان سعادت برای جهان آخرت حاصل نمی‌شود: «علم دنیا و آن علمی است که معظم فایده آن برای دنیاست؛ مثل طب و هندسه و نجوم و عروض و موسیقی و هیئت و حساب. و از این علوم چندان بهجت و سعادت در عالم عقبی حاصل نمی‌شود و از این جهت، تحصیل آن‌ها واجب نیست؛ بلی نادراً می‌شود که در تحصیل بعضی مسائل، بعضی از این علوم، واجب کفائی باشد» (همان: ۶۴-۶۵).

اما، در ادامه می‌فرمایند که با تحصیل علم اخروی می‌توان به سعادت اخروی رسید و به کمال دست یافت. پس «علم آخرت که ثمره اصلی آن، تحصیل سعادت اخرویه است و آن سه علم است که آن‌ها را علم دین گویند. یکی علم الهی که به آن اصول و عقاید دین و احوال مبدأ و معاد شناخته می‌شود و آن اشرف علوم و افضل آنها است. و دیگری علم اخلاق که به آن راه تحصیل سعادت و آنچه به واسطه آن نفس نجات می‌یابد یا به هلاکت می‌رسد، دانسته می‌شود و بعد از علم الهی، از آن اشرف نیست. سیم، علم فقه که به آن کیفیت عبادات و معاملات و حلال و حرام و آداب و احکام فهمیده می‌شود. و تحصیل این سه علم واجب و لازم است...» (همان: ۶۵).

_____ ویژگی های اخلاقی معلم و متعلم از منظر ملا احمد نراقی در معراج السعاده

نراقی بعد از ذکر این مزایا و فایده‌ها برای صاحب علم حقیقی، به آیات و احادیث مربوط در این زمینه که در شرافت و فضیلت علم و وجوب تحصیل آن است، اشاره‌ای می‌کند و می‌فرماید: خداوند خود در قرآن فرموده است آیا کسانی که عالم هستند با کسانی که عالم نیستند مساوی و برابر هستند، نه چنین نیست؛ «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ» (زمر: ۹). همچنین آیات «إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ» (فاطر: ۲۸) و «وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ لِنُظْرِيهَا لِلنَّاسِ وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعُلَمَاءُ» (العنكبوت: ۴۳) را ذکر می‌کند و در ادامه می‌فرماید: «و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله مرویست که فرموده‌اند که علماء، ورثه انبیا هستند. و در حدیث دیگر فرمودند: یا اباذر ساعتی نشستن در مجلسی که در آن گفتگوی علمی باشد، بهتر است در نزد خدا و محبوب تر است به سوی او از بیداری هزار شب که در هر شبی هزار رکعت نماز کرده شود. و محبوب تر است از هزار جهاد در راه خدا و از دوازده هزار ختم قرآن و عبادت یک سال که روزهای آن را روزه بگیرد و شب‌های آن را احیا نماید...» (نراقی، ۱۳۷۴: ۶۰). به علاوه، در ادامه به حدیثی از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام اشاره می‌فرماید که آن حضرت فرمودند: «اگر مؤمنی بمیرد و از او بماند ورقی که در آن مسئله علمیه نوشته باشد، آن ورق، حجابی خواهد شد میان او و میان آتش و به هر حرفی که در آن ورق نوشته باشد، خداوند عالم شهری به او عطا خواهد کرد که هفت برابر تمام دنیا باشد» (همان: ۶۰).

ویژگی های اخلاقی معلم در معراج السعاده

مروحوم نراقی بعد از بیان فضیلت علم و دانش برای صاحب آن که در سطور گذشته به آن اشاره شد؛ برای هر یک از معلم و متعلم، آداب و شروطی را بیان می‌دارند. ایشان می‌فرمایند: برای این که معلمی بتواند در کار خود موفق باشد و علم خود را درست به آموزنده منتقل کند، معتقد به چند ویژگی به شرح زیر است که باید آن‌ها را دارا باشد تا بتواند به هدف خود که همان آموزش درست است، برسد:

الف) ابتدا لازم است نیت معلم از آموزش، نزدیکی به خدا باشد.

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَآتِلْ عَلَيْهِمْ نَبَأَ الَّذِي ءَاتَيْنَاهُ ءَايَاتِنَا فَانْسَلَخَ مِنْهَا فَاتَّبِعَهُ الشَّيْطَانُ فَكَانَ مِنَ الْعَاوِينَ» (اعراف: ۱۷۵)؛ «و بخوان بر این مردم، حکایت آن کس را که ما آیات خود را به او عطا کردیم و از آن آیات به عصیان سرپیچید؛ چنان که شیطان او را تعقیب کرد و از گمراهان عالم گردید». با این تفاسیر که در قرآن آمده است، ملا احمد هم استفاده می‌کند و بیان می‌دارند که ابتدای امر و مهم‌ترین ویژگی معلم آن است که بداند هدف از آموزش، رسیدن به قرب خدا و نزدیکی به او است و از علم در راه هوا و هوس استفاده نکند؛ چون اگر چنین کند، شیطان او را به شهرت و ریاست وسوسه می‌کند و گمراه می‌شود. بنابراین، معلم باید «دارای

خلوص نیت باشد تا بتواند در مسیر تعلیم و تعلم در جهت هدفی الهی و انسانی گام بردارد و هیچ‌گونه شوائب انتفاعی و مادی را با این هدف الهی نیامیزد؛ زیرا محور و کانون ارزش عمل و رفتار هر کسی بر قصد و نیت و طرز جهت‌گیری او مبتنی است» (شهید ثانی، ۱۳۵۹: ۱۰۶). این جاست که مرحوم نراقی می‌فرماید: «آن که معلم در تعلیم، قصد تقرب به خدا داشته باشد و غرض او از درس گفتن، جاه و ریاست و بزرگی و شهرت و مقصودش، مجمع‌آرایی و منظورش، خودنمایی نباشد یا طمع و وظیفه سلطان یا مال دیگران او را به تعلیم نداشته باشد» (نراقی، ۱۳۷۴: ۶۴).

ب) هدف معلّم از آموزش، باید زنده کردن دل‌های مرده باشد.

ملاً احمد هدف از آموزش را زنده کردن دل‌های مرده و رسیدن به ثواب خداوند می‌داند و معتقد است هر معلمی به شخصی دیگر علم بیاموزد، در علم آن شخص شریک است و پی در پی به ثواب‌های گوناگون می‌رسد. و هر فردی از این ویژگی استفاده نکند، دچار خسروانی عظیم می‌شود؛ چنان که پیامبر اکرم (ص) فرمود: «أَشَدُّ النَّاسِ عَذَابًا عَالِمٌ لَا يَنْتَفِعُ مِنْ عِلْمِهِ بِشَيْءٍ؛ بیشتر از همه مردم، دانشمندی کیفر می‌بیند که به هیچ روی از دانشش بهره‌ای نبرد» (مظاهری، ۱۳۸۳: ۱۴۱). همچنین از امام جعفر صادق (ع) نقل است که «مَنْ أَخْرَجَهَا مِنْ ظَلَالٍ إِلَى هُدًى فَكَأَنَّهَا أَحْيَاهَا؛ هر کس او را از گمراهی به هدایت آورد، گویی او را زنده گردانیده‌است» (همان: ۱۱۹). پس نراقی، اهمیت آموزش درست به متعلّم را چنین بیان می‌دارند: «منظور او به‌غیر ارشاد و احیای دل‌های مرده و رسیدن به ثواب‌های پروردگار، دیگر چیزی نباشد. و شکی نیست هر که تعلیم نماید کسی را، شریک خواهد بود در ثواب تعلیم آن کس دیگری را و در ثواب تعلیم آن دیگر، غیر را و همچنین الی غیرالنهایه. پس، به سبب یک تعلیم، به ثواب‌های بی‌نهایت می‌رسد و ستم باشد که کسی چنین امری را مشوب به نیتی کند که همه از دستش به در رود» (نراقی، ۱۳۷۴: ۶۴).

ج) معلم باید با آموزنده، مشفق و مهربان باشد.

سومین ویژگی که باید معلم داشته باشد، شفقت و مهربانی با آموزنده است. باید او را نصیحت‌های دلسوزانه کند تا بتواند مسیر علم‌آموزی و کمال را طی کند؛ زیرا «دلسوزی به افراد و ابراز محبت به مترتی، از لوازم تعلیم و تربیت اسلامی است. معلم با دلسوزی خود، زمینه مساعدی برای رشد و کمال افراد فراهم می‌کند» (ملکی، ۱۳۷۶: ۸۳). همچنان که خداوند در قرآن کریم به پیامبر اکرم (ص) فرمود: «فَيَمَّا رَحِمَهُ مِنَ اللَّهِ لَئِن لَّ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ» (ال عمران: ۱۵۹)؛ «ای رسول رحمت، خدا تو را با خلق مهربان و خوش‌خوی گردانید. و اگر تندخو و سخت‌دل بودی، از گرد تو متفرق می‌شدند». پس، معلّم باید مهربان و دلسوز باشد تا

_____ ویژگی‌های اخلاقی معلم و متعلم از منظر ملا احمد نراقی در معراج السعاده

متعلم از او احساس ترس و وحشت نداشته باشد: «بر متعلم مهربان و مشفق باشد و خیرخواهی او را ملاحظه نماید و او را نصیحت‌های مشفقانه گوید» (نراقی، ۱۳۷۴: ۶۴).

د) لازم است معلم به اندازه درک و فهم آموزنده، مطالب را بیان کند.

همیشه معلم باید «در انتخاب محتوا نیز به توانایی‌ها و ویژگی‌های روانی فراگیر توجه کند و محتوا را به عنوان یک غذای مناسب برای دستگاه گوارش او آماده کند. گاهی ممکن است مفاهیم انتخاب شده با میزان درک فراگیران همسو نباشد و یا مثال‌هایی که ذکر می‌شوند با علایق یادگیرنده تضاد داشته باشند» (ملکی، ۱۳۷۶: ۵۶). بنابراین ملا احمد معتقد است که معلم باید مطالبی که می‌گوید در حد درک و فهم و شعور متعلم باشد و مطالب سنگین و غیر قابل هضم را برای آموزنده بیان ندارد؛ زیرا خداوند هم در قرآن می‌فرماید که «وَلَا تُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا» (مومنون: ۶۲)؛ «ما هیچ نفسی را بیش از وسع و توانایی تکلیف نمی‌کنیم». پس، مطالب درسی باید برای آموزنده مفهوم باشد و معلم در انتقال مفاهیم هم لطافت و نرمی داشته‌باشد: «در تعلیم، به قدر فهم او اکتفا کند و با نرمی و گشاده‌رویی با او سخن گوید و درشتی و غلظت با او نکند» (نراقی، ۱۳۷۴: ۶۴).

ه) معلم نباید در انتقال مطالب به طالب واقعی علم، بخل بورزد.

مرحوم نراقی معتقد است که معلم باید به کسی که طالب واقعی علم و جویای آن است، بخل نرزد و هرآنچه که دارد، در طبق اخلاص نهد و در اختیار متعلم قرار دهد تا بتواند مسیر پیشرفت و ترقی را ببیماید. و از کسی که این ویژگی را ندارد، علم خود را دریغ بورزد؛ چنان‌که خداوند می‌فرماید: «وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ» (اسراء: ۲۹)؛ زیرا «بذل حکمت به نادانان نالایق، ستم کردن بر حکمت و دانش است، و منع کردن حکمت از اهل آن نیز ستم کردن بر آنان است» (نراقی، ۱۳۹۰: ۸۰). «آن که چون او را سزاوار علمی داند، از او مضایقه نکند و ضنت و بخل نرزد و کسی را که قابل مطالبی نداند، آن مطلب را با او در میان نهد و با او نگوید» (نراقی، ۱۳۷۴: ۶۴).

و) معلم نباید چیزی خلاف واقعیت به آموزنده بگوید.

از آن‌جایی‌که هر معلمی در حوزه تخصصی خاصی دانش‌آموخته است و در آن زمینه مهارت لازم را دارد، سزاوار است که معلمان گرامی دائماً در حال آموختن باشند. به عبارتی، علم و دانش خود را به‌روز کنند تا در انتقال مفاهیم با مشکل مواجه نشوند. همچنین برای انتقال مطالب از روش‌های گوناگون تدریس استفاده کنند و سطح دانش و گیرایی مخاطبان خود را در نظر داشته‌باشند. بنابراین «یکی از صلاحیت‌های بارز معلم این است که با مفاهیم اساسی، اصول و قوانین رشته علمی‌اش آشنایی کافی داشته‌باشد. شرط اصلی یاددهی هر مفهومی، این است که آن

مفهوم در ابتدا برای خود معلّم شناخته شده باشد» (ملکی، ۱۳۷۶: ۶۰). با توجه به این مهم، نراقی هم بیان می‌دارد که معلّم باید مطالب خلاف واقع به آموزنده نگوید و اگر سؤال از او شد که در آن لحظه نسبت به آن سؤال آگاهی نداشت، صبر کند و وقتی به جواب درست و صحیح رسید، پاسخ بگوید تا این‌گونه ذهن آموزنده به مطالب غیردرست پر نشود و از مسیر واقعی خارج نگردد: «چیزی که خلاف واقع باشد، به او نگوید و نخواهد امری را که مطابق واقع نیست، به او بفهماند؛ بلکه چنانچه شبهه‌ای وارد شود که نداند، سکوت کند و تأمل نماید تا جواب صحیح به دست آورد و تعلیم کند. و این شرطی است مهم در تعلیم؛ زیرا که اگر ملاحظه نشود، ذهن متعلم به خلاف واقع معتاد می‌شود و سلیقه او اعوجاج به هم می‌رساند و از ترقی باز می‌ماند» (نراقی، ۱۳۷۴: ۶۴).

ویژگی‌های طالب و آموزنده علم در معراج السعاده

مرحوم نراقی همان‌گونه که برای معلّم و مربّی قائل به یک‌سری از ویژگی‌های اخلاقی بود که در سطور گذشته بیان شد، برای طالب و آموزنده علم هم آداب و شروطی را بیان می‌دارند؛ از جمله:

الف) دوری و پیروی نکردن از شهوات نفسانیه و هواهای جسمانیه

به دلیل آن‌که شیطان همیشه در کمین انسان است و چنان‌که خداوند بزرگ در سوره شمس می‌فرماید: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّهَا وَ قَدْ خَابَ مَنْ دَسَّهَا» (الشمس: ۹، ۱۰)؛ «هرکس نفس ناطقه خود را از گناه و بدکاری پاک و منزه سازد، به یقین رستگار خواهد شد و هرکسی او را به کفر و گناه پلید گرداند، البته زیانکار خواهد شد»؛ زیرا «پیروی از تمایلات نفسانی بر او چیره می‌گردد و به دنیا متکی می‌شود و به بیماری‌های کشنده: حسد، تظاهر و خودنمایی، خشم و کینه و عجب و غرور، مبتلا و گرفتار می‌شود» (شهید ثانی، ۱۳۵۹: ۱۵۵). ملا احمد هم از این آیات استفاده می‌کند و می‌گوید: طالب علم باید از هوای نفس خود پیروی نکند و از دنیا دوستان و معاشرت با دنیاپرستان دوری کند؛ به دلیل آن‌که اگر پیروی نفس خواهشگر را کند، از شعاع انوار حق بر دلش محروم می‌شود و نمی‌تواند مسیر کمال و پیشرفت را طی کند: «آن که طالب علم احتراز کند از پیروی از شهوات نفسانیه و هواهای جسمانیه و آمیزش با اهل دنیا و مصاحبت ارباب هوا و هوس. و بداند که هم‌چنان‌که چشم ظاهر هرگاه مأوف باشد، از شعاع و خورشید محروم است و هم‌چنین دیده باطن هرگاه مبتلا به متابعت هوس و هوا و مصاحبت اهل دنیا باشد، از اشعه انوار قدسیه که محل افاضه علوم است، بی‌نصیب است» (نراقی، ۱۳۷۴: ۶۲).

ب) هدف از طلب و آموختن علم، نزدیکی به خدا باشد.

همچنین معتقد است که تعلیم و یادگیری متعلم، فقط باید برای خدا و رسیدن به او و سعادت آن جهانی باشد و هدف دانشجو از تحصیل علم، فخرفروشی و رسیدن به قدرت و منصب

_____ ویژگی‌های اخلاقی معلم و متعلم از منظر ملا احمد نراقی در معراج السعاده

و برتری جویی بر دیگران نباشد؛ زیرا از امام محمد باقر(ع) نقل است که «هر کس علم را برای مباحثات و فخرفروشی به علما یا برای ستیزه و جدال با سفیهان یا برای جلب توجه مردم بجوید، جایگاه او آتش است» (نراقی، ۱۳۹۰: ۸۰): «این که باعث تعلم محض، تقرب به خدا و رسیدن به سعادات بی‌منتها و ترقی از مرتبه بهیمیت و دخول در عالم انسانیت باشد. و مقصود او مرء و جدال یا رسیدن به منصب و مال یا مفاخرت و تفوق بر امثال و اقران نباشد» (نراقی، ۱۳۷۴: ۶۲). ایشان در ادامه، حدیثی از حضرت امام جعفر صادق(ع) نقل می‌کند که طالب علم به سه گروه تقسیم می‌شوند که باید آن‌ها را بشناسیم: «صنف اول کسانی هستند که طلب علم می‌کنند از برای استخفاف به مردم و استهزای به ایشان که طریقه جهال است و از برای مرء و جدال با اقران و امثال، و صنف دوم کسانی هستند که آن را طلب می‌کنند از برای مفاخرت نمودن و خدعه کردن و صنف سوم کسانی هستند که آن را می‌طلبند به جهت تحصیل بصیرت در دین و تکمیل عقل و تحصیل یقین» (همان).

اما هر یک از این سه گروهی که نام برده شد، دارای ویژگی‌هایی هستند که با مشاهده آن‌ها می‌توانیم هر یک را بشناسیم؛ مثلا ویژگی گروه اول این است که در میان جمع و محفل‌های گوناگون با رفتارهایی ناپسند می‌خواهد دانش و برتری خود را ظاهر سازد؛ زیرا «در مقام جدال با اقران و امثال برمی‌آید و در صدد ایدای ایشان و غلبه بر آن‌ها است و در مجالس و محافل، معترض گفتگوی با ایشان می‌شود تا فضل خود را ظاهر سازد و در جماع، ذکر علم و بیان صفت حلم را می‌کند. خضوع و خشوع را بر خود می‌بندد؛ مثل این که سر به زیر می‌افکند و نفس‌های بلند می‌کشد و ناله‌های ضعیف بر می‌آورد و گاهی در راه رفتن پشت خود را خم می‌کند و گاهی سر می‌جنباند و دستی حرکت می‌دهد. و دل او از ورع خالی و باطن او از تقوی بریست» (همان: ۶۲). و ویژگی گروه دوم آن است که صاحب حيله و فریب است و برای افراد پست توانگر، خود را خرد و خوار می‌کند؛ چون «صاحب مکر و خدعه و نرمی و همواریست، با امثال خود از اهل علم، تکبر می‌نماید و از برای اغنیائی که پست رتبه هستند، تواضع و فروتنی می‌کند و حلوهای ایشان می‌خورد و دین ایشان را ضایع می‌کند» (همان: ۶۲).

ولی گروه سوم که ذکر آن‌ها رفت، «پیوسته شکسته و محزون می‌باشد و بیداری را شعار و دثار خود ساخته، جامه عبادت پوشیده و در ظلمت‌های شب به عبادت پروردگار کوشیده و عبادت می‌کند از برای خدا. و از تقصیر خود خائف و ترسان و همیشه از اعمال خود مضطرب و لرزان است و خدا را می‌خواند و می‌ترسد که دعای او را نشنود. و متوجه است به اصلاح نفس خود و بینا است به اوصاف اهل زمان و گریزان است از دوستان و برادران» (همان: ۶۲-۶۳).

ج) هر صاحب علمی باید به علم خود عمل کند.

عمل به علم، تا بدان اندازه مهم است که در قرآن شریف آیات فراوانی وجود دارد که وابسته بودن علم به عمل را مهم دانسته‌اند؛ به‌عنوان نمونه «أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ» (بقره: ۴۴)؛ «چگونه شما که مردم را به نیکوکاری دستور می‌دهید، خود را فراموش می‌کنید؟! حال آن که کتاب خدا را می‌خوانید. چرا در آن اندیشه نمی‌کنید؟!» یا خداوند، آموزنده علم بی‌عمل را چنین در قرآن توصیف می‌کند که «مَثَلُ الَّذِينَ حُمِلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا» (الجمعه: ۵)؛ «وصف حال آنان که تحمل تورات کرده و خلاف آن عمل نمودند، در مثل به حماری ماند که بار کتاب بر پشت کشد». پس، «مسئله‌ای که باید معلم و شاگردان اهتمام و عنایت داشته باشند این است که به تدریج و گام‌به‌گام، آگاهی‌ها و معارف خود را به کار بندند» (شهید ثانی، ۱۳۵۹: ۱۳۶). بنابراین، ملا احمد هم به طالب علم می‌فرماید که باید به آنچه فهمید و آموخت، عمل کند؛ زیرا با این کار، خداوند آنچه را نمی‌داند، به او می‌آموزد. ولی اگر عمل نکند، به زودی آن آموخته‌ها را فراموش خواهد کرد و تمام تحمل سختی که در راه به دست آوردن علم کرده است، بی‌فایده می‌شود: «آنچه را فهمیده و دانست، به آن عمل کند که هر که به علم خود عمل نکرد، آنچه را دانسته، فراموش می‌کند. و هر که به علم خود عمل کند، خدا به او کرامت می‌فرماید علم آنچه را نمی‌داند. از حضرت امام زین‌العابدین (ع) مرویست که علمی که به آن عمل نشود، زیاد نمی‌کند از برای صاحبش مگر کفر و دوری از خدا را. و از حضرت پیغمبر (ع) مرویست که فرمودند که اهل دوزخ متأذی می‌شوند از بوی عالمی که به علم خود عمل نکرده باشد. و فرمودند اشد مردم از جهت حسرت و پشیمانی، کسی است که دیگری را به خدا خوانده باشد و او قبول نموده و به آن سبب داخل بهشت شود و آن شخص خواننده خود به جهت ترک عمل به آنچه دانسته بود، داخل دوزخ گردد» (نراقی، ۱۳۷۴: ۶۳).

همچنین معتقد است که علم بی‌عمل، مایه دردسر و موجب عذاب و زیان بر صاحب آن است و از خطاهای انسان جاهل ممکن است چشم‌پوشند؛ ولی غیرممکن است از لغزش انسان عالم بگذرند. به علاوه، آموزنده باید ظاهر و باطن خود را در عمل یکی کند و پرداختن به یکی، او را از دیگری غافل نسازد و موجب گمراهی او نشود: «و بدان که علم بی‌عمل وبال و موجب خسران و نکال است. از جاهل هفتاد لغزش را چشم می‌پوشند پیش از آن که از عالم یکی‌را در گذرند. و عمل بی‌علم، زحمت بی‌فایده است؛ زیرا که از روی علم و معرفت صادر شود. و باید در عمل متوسط باشی میان حفظ ظاهر و باطن خود؛ نه این که ظاهر خود را پاکیزه نمایی و آن را به عبادت و طاعات بیاری و باطن به انواع خبثات آلوده باشد؛ مانند عجزه کریمه‌منظر زشت‌لقای دیوسیرت که خود را ملبس به لباس عروسان حوروش و مزین به زینت مهوشان دل‌کش نماید و به انواع

_____ ویژگی‌های اخلاقی معلم و متعلم از منظر ملا احمد نراقی در معراج السعاده

تدلیسات خود را بیاراید؛ نه این که سعی در نیکی ذات و پاکی باطن خود کنی ولیکن بالمره از ظاهر غافل شوی و مطلقاً ملاحظه آن را نمایی...» (نراقی، ۱۳۷۴: ۵۳).

د) بر هر آموزنده‌ای لازم است که حقوق معلم خود را بشناسد.

از جمله موارد دیگری که طالب علم باید به‌جا بیاورد، این است که «بیاندیشد که استاد و معلم او، پدر واقعی، و خود او به منزله فرزند و زاده روحانی او است. فرزند روحانی از فرزند جسمانی، مهم‌تر و ارجمندتر است» (شهیدثانی، ۱۳۵۹: ۳۱۹). پس شناختن حقوق معلمش بر او لازم است و می‌بایست در برابر او تواضع و ادب را به‌جا بیاورد، سخن معلم را رو در رو قطع نکند و در دلش معلمش را دوست داشته باشد؛ زیرا معلم پدر معنوی و روحانی اوست؛ چنان که پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید: «مَنْ عَلَّمَنِي حَرْفًا فَقَدْ صَيَّرَنِي عَبْدًا؛ هر کس به من کلمه‌ای بیاموزد، مرا بنده خویش ساخته است» و یا حضرت علی (ع) می‌فرماید: «لَا تَجْعَلَنَّ ذَرْبَ لِسَانِكَ عَلَيَّ مَنْ أَنْطَقَكَ وَ بِلَاغَةَ قَوْلِكَ عَلَيَّ مَنْ سَدَّدَكَ؛ به آن کس که تو را سخن آموخت، به درشتی سخن مگو. و با کسی که راه نیکو سخن گفتن به تو آموخت، لاف بلاغت نزن» (نهج البلاغه: حکمت ۴۱۱):

«آن که حقوق معلم خود را بشناسد و ادب او را نگاه دارد و فروتنی و خشوع نسبت به او به‌جا آورد. و در برابر او سخنی را برآورد نکند و به دل او را دوست دارد و اگر بد او مذکور شود، رد کند و اگر نتواند، برخیزد. و حقوق او را فراموش نکند؛ زیرا که او پدر معنوی و والد روحانی اوست و حقوق او از سایر آباء بیشتر است. و همچنین ملاحظه ادب و احترام سایر علماء را بکند؛ خصوصاً کسانی که از علم آن‌ها منتفع شده و یا علم آن‌ها به‌واسطه به او رسیده؛ که آن‌ها نیز پدران به‌واسطه هستند» (نراقی، ۱۳۷۴: ۶۳).

ه) آموزنده نباید به معلم خود زبان اعتراض باز کند و اعتراض خود را باید بر وجهی

پسندیده بیان کند.

همچنین اگر آموزنده در دریافت مطلبی دچار مشکل شد، باید احترام معلم خود را داشته باشد و موضوع را با آرامش و سعه صدر به معلم خود بگوید و زبان پرخاش و اعتراض به او بلند نکند؛ زیرا باید همیشه به‌خاطر علمی که معلمش به او آموخته است، قدردانش باشد و با احترام از او یاد کند: «به مجرد این که چیزی از مطالب آن‌ها به فهم ناقص او نرسد، زبان اعتراض و طعن نگشاید و نسبت غلط به ایشان ندهد. و اگر بعد از سعی و جهد، مطلبی از ایشان در نظر او صحیح نباشد و خواهد اعتراض نماید، بر وجهی مستحسن و عبارتی مقرون به ادب آن را ادا نماید» (نراقی، ۱۳۷۴: ۶۳).

و) متعلم باید نفس خود را از اخلاق رذیله پاک کند.

از آن جایی که خداوند کریم در قرآن در آیات متعدد و فراوان همچون: «وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ» (انعام: ۱۵۶)؛ «به کارهای بد نزدیک نشوید.» و یا «لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ وَمَنْ يَتَّبِعْ خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ» (نور: ۲۱)؛ «زنهار پیروی شیطان نکنید؛ که هر کس قدم به قدم از پی شیطان رفت، او به کار زشت منکرش می‌دارد»، بندگان را از نزدیک شدن به امور زشت و پیروی شیطان برحذر می‌دارد، ملا احمد هم به آموزنده می‌فرمایند که باید از چیزهایی که باعث رذایل اخلاقی و فرومایگی‌ها می‌شود، دوری کند؛ زیرا اگر به دنبال شیطان و خواهش‌های نفسانی برود، آیینۀ دلش زنگار می‌گیرد و نور معرفت حق در درونش تجلی نمی‌کند: «آن که نفس خود را از اخلاق رذیله و اوصاف ذمیمه پاک کند؛ زیرا مادامی که لوح نفس از نقوش باطله پاک نشود، انوار علوم بر او نتابد و تا آیینۀ دل از زنگ صفات رذیله پرداخته نگردد، صور علمیه در آن عکس نیندازد» (نراقی، ۱۳۷۴: ۶۳).

به علاوه، بر طالب و آموزنده علم لازم است که از استاد خودش راهنمایی و ارشاد و مسیر حرکت درست را بخواهد و عقل و اندیشه خودش را با استدلال‌های درست، پشت سر او به حرکت درآورد؛ چرا که «معلم به عنوان رهبر کلاس از توانایی‌ها و استعداد‌های دانش‌آموزان و مشارکت آنان در تدریس، بهره می‌جوید و آنان را به سوی هدف‌های یادگیری پیش می‌برد» (ملکی، ۱۳۷۶: ۷۷). همچنین آموزنده با عبادت و مجاهده و ریاضت، نفسش را پاک و تصفیه نماید تا انوار حق بر دلش متجلی شود: «پس لازم است بر طالب علم که ابتدا از صاحب شرع و دین، چراغ و رهبر جوید و عقل خود را از اثر او روانه سازد و عصای استدلال را به دست گیرد. و نفس خود را به عبادت و طاعت و مجاهده و ریاضت تصفیه نموده و قابل قبول صور علمیه نماید» (نراقی، ۱۳۷۴: ۵۴).

دلایل آن که تعلیم و تعلم مثل سایر اوصاف کمالیه، مهجور شده است.

با توجه به ویژگی‌هایی که مرحوم نراقی، دربارهٔ معلم و متعلم ذکر می‌کنند، نهایتاً در پاسخ به این سؤال مهم که «چرا با وجود افراد زیادی که وقت خود را صرف آموزش و علم‌آموزی می‌کنند، سرانجام فقط شمار معدودی هستند که به سرچشمه معرفت و کمال می‌رسند و بیشتر افراد با وجود مطالعه و آموزش‌های زیاد، باز هم در جهل و نادانی خود باقی می‌مانند؟»، بیان می‌دارد که اکثر معلمان و متعلمان در نیت و قصد خود خالص نیستند و مقصود و مراد آن‌ها از تحصیل و آموزش، فقط مصالح دنیوی است. و با این نیت باطل آن‌ها، هدایت و ارشاد به‌درستی محقق نخواهد شد؛ زیرا «بر اساس همین قصد و نیت است که اعمال و رفتار انسان - گاهی همچون کوزه شکسته‌ای - فاقد ارزش و اعتبار می‌شود و گاهی نیز همین اعمال و رفتار در ظل نیت و

_____ ویژگی های اخلاقی معلم و متعلم از منظر ملا احمد نراقی در معراج السعاده

جهت یابی درست و الهی، همانند گوهری گران بها آن چنان دارای ارزش و اعتبار می گردد که نمی توان آن را به علت گران مایگی، ارزیابی کرد» (شهید ثانی، ۱۳۵۹: ۱۰۶). پس نیت معلم و شاگرد از تعلیم و آموزش و علم آموزی باید برای خداوند بلندمرتبه باشد و اعتقاد و ایمان به او را در ابتدا و انتهای تمامی کارها جاری کنند تا اعمال و رفتارشان رنگ و بوی خدایی بگیرد و مقبول درگاه الهی شود: «معلم و متعلم از ملاحظه شرایط دورند. زمان و اهل آن فاسد و بازار هدایت و ارشاد کاسد گشته. نه نیت معلم، خالص است و نه قصد متعلم. و نه غرض استاد، صحیح است و نه منظور شاگرد. و از این جهت است که از هزار نفر، یکی را رتبه کمال حاصل نمی شود و اکثر در جهل خود باقی می ماند؛ با وجود این که بیشتر عمر را در مدارس به سر می برند» (نراقی، ۱۳۷۴: ۶۴).

بحث و نتیجه گیری

در جامعه و محیط اجتماعی، هنگامی که فردی مسئولیتی را قبول می کند و در آن مسئولیت فعالیت می کند، باید برای درست انجام دادن آن کار و به موفقیت رسیدن در آن حرفه، یک سری از اصول اخلاقی را رعایت کند که اگر آن موارد را رعایت نکنند، از هدف اصلی خودش دور خواهد افتاد و بر دیگران که شاهد رفتار او هستند، تأثیر منفی خواهد گذاشت. امر تعلیم و تربیت، بنابراینچه مرحوم نراقی در معراج السعاده ذکر کردند و در این نوشتار شاهد آن بودیم، از جمله موارد مهمی است که هم معلم و هم متعلم با توجه به آموزه های دینی و اسلامی، ملزم به رعایت اصول اخلاقی آن هستند تا بتوانند روح و ذهن خود را با به کار بردن سجایای اخلاقی، از رذایل و پلیدی هایی که انسان را از رشد و بالندگی دور می کنند، صیقل دهند و به سرچشمه کمال و معرفت الهی برسند. بنابر آنچه گفته شد، مرحوم نراقی معتقد بودند که نیت معلم از آموزش باید نزدیکی به خدا و زنده کردن دل های مرده باشد.

معلم باید دلسوز و مهربان باشد و به اندازه درک و فهم مخاطبانش مطالب را بیان کند و چیزهای خلاف واقعیت به شاگردانش نگوید. آموزنده نیز باید از شهوات نفسانیه و مصاحبت با افراد بد، دوری کند. هدف شاگرد از تحصیل علم، نزدیکی به خدا باشد و نفسش را از اخلاق رذیله پاک گرداند. به علمی که می آموزد، عمل کند و نباید به معلم خود بر وجهی نامناسب، زبان اعتراض باز کند. باید حقوق معلم خودش را بشناسد و ادب و احترام او را به عنوان پدر روحانی، داشته باشد. بنابراین هم معلم و هم آموزنده علم با به کار بردن صحیح این اصول اخلاقی که شرحش رفت،

می‌توانند به هدف اصلی خود که همان آموزش درست است، دست پیدا کنند. و اگر چنین ویژگی‌هایی را رعایت نکنند و نیت و عمل آن‌ها برخلاف این ویژگی‌ها باشد، از هدف اصلی خود دور می‌افتند و هدایت و ارشاد و تحصیل واقعی محقق نخواهد شد. در نتیجه، آن جامعه آرمانی که شاخصه‌هایش برگرفته از قرآن و احادیث و روایات معصومین (علیهم‌السلام) است و بر رعایت حقوق متقابل افراد تأکید دارد، به واقعیت نخواهد پیوست.



منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه.
- امینی، ابراهیم (۱۳۸۷). اسلام و تعلیم و تربیت. قم: مؤسسه بوستان کتاب.
- انوری، حسن (۱۳۸۲). فرهنگ فشرده سخن. تهران: چاپ دایره سفید.
- جلالی، محمدرضا (۱۳۸۱). «معراج السعاده در آیینهای تاریخ و فلسفه‌ی تعلیم و تربیت». فصلنامه پیام حوزه، شماره ۳۳، ۶۹-۸۴.
- داورپناه، ابوسعید؛ علوی، سیدحمیدرضا و رستمی‌نسب، عباسعلی (۱۳۹۰). «بررسی تطبیقی ویژگی‌ها و روابط معلم و شاگرد از دیدگاه امام محمدغزالی و توماس آکویناس». مطالعات روانشناسی تربیتی، بهار و تابستان، شماره ۱۳، ۲۱-۵۶.
- رامین، علی؛ فانی، کامران و محمدعلی سادات (۱۳۸۹). دانشنامه دانش‌گستر. تهران: مؤسسه دانش‌گستر روز.
- شهید ثانی (۱۳۵۹). آداب تعلیم و تعلم در اسلام. ترجمه محمد باقر حجتی. تهران: نشر فرهنگ اسلامی.
- قراملکی، احد فرامرز (۱۳۸۸). درآمدی بر اخلاق حرفه‌ای. تهران: مطالعات بهره‌وری و منابع انسانی.
- گلدار، فاطمه (۱۳۹۶). «خلاصه‌ای از آداب تعلیم و تعلم در کتاب منیه‌المريد». همایش ملی رویکردهای نوین آموزشی و پژوهشی در تعلیم و تربیت، بندرعباس، آموزش و پرورش ناحیه دو بندرعباس.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۸۵). بحارالانوار. تهران: اسلامی.
- مظاهری، حسین (۱۳۸۳). کاوشی نو در اخلاق اسلامی و شئون حکمت عملی، جلد اول. تهران: مؤسسه نشر و تحقیقات ذکر.
- معین، محمد (۱۳۸۴). فرهنگ فارسی یک‌جلدی. تهران: نشر سرایش.
- مغنیه، محمدجواد (۱۳۸۶). فلسفه اخلاق در اسلام. ترجمه عبدالحسین صافی. قم: دارالکتب الاسلامی.
- ملکی، حسن (۱۳۷۶). صلاحیت‌های حرفه معلمی. تهران: انتشارات مدرسه.
- نراقی، احمد (۱۳۷۴). معراج السعاده. تهران: پیام.
- نراقی، مهدی (۱۳۹۰). گزیده اخلاق اسلامی. ترجمه سید جلال‌الدین مجتوبی. تهران: مؤسسه انتشارات حکمت.